

تطبيق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد در مجموعه تاریخی شهر یزد^۱

فروزان رحمانی - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
حسین نورمحمدزاد^۲ - استادیار شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۶

چکیده

ساخت، کل متشکل از واحدهای تقسیم، رابطه‌ها، مفاصل و مرزهاست که با گشتارهایی، حول انتظام‌دهنده‌هایی در تبعیت از اصولی شکل می‌گیرند. چنین ساختی واجد معنایی است. معنا، ذهنیتی است که از واژه، جمله، پاراگراف یا متن برای خواننده مستفاد می‌شود. پژوهش ساخت معنا، در زمینه شهر می‌تواند در ابعاد مختلف آن انجام گیرد. از آنجا که بعد کالبد، محسوس، باثبات و عینی‌ترین بُعد شهر است، پژوهش ساخت معنا در ساخت کالبد شهر انجام شده است. مجموعه تاریخی شهر یزد از ارزشمندترین مجموعه‌هایی است که به عنوان یک متن در کتاب شهر یزد قابل پیگیری است. این متن همواره، متنی بامعنا بوده ولی مداخلات انجام شده در مجموعه گاهی سبب از دست رفتن معانی مترتب بر آن شده است. در این پژوهش، "ساخت"، "معنا" و "کالبد"، مفاهیمی هستند که در ابتدا، مرور و مدل‌های نظری آنها ساخته و ارائه شدند. سپس با مدل‌های یاد شده، ساخت معنا و ساخت کالبد مجموعه یاد شده با روش‌های توصیفی، پیمایشی و نسبت ساخت معنا و ساخت کالبد با روش تطبیقی پژوهش شدند. تطبیق و تناظر ساخت معنا با ساخت کالبد در مراتب کلان، میانه و خرد، اشتراک شکل‌دهنده‌ها (اصول) و اجزای تشکیل‌دهنده آنها از دستاوردهای این پژوهش هستند. استفاده از مدل‌های ارائه شده در موارد مشابه توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: ساخت، معنا، کالبد، ساخت معنا، ساخت کالبد، مجموعه تاریخی یزد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری فروزان رحمانی به راهنمایی حسین نورمحمدزاد با عنوان "بازطراحی ساخت کالبد مجموعه تاریخی شهر یزد با تأکید بر ساخت معنا" است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: nourm@yazd.ac.ir

۱. مقدمه

انجیل یوحنا با جمله «در آغاز کلمه بود» آغاز می‌شود (Berman 2002, 56). ویکتور هوگو گفته است: «شهر یک کتاب سنگی است»؛ او به صراحت اشاره می‌کند با پیدایش کتاب‌های کاغذی و صنعت چاپ، معماری که تا آن زمان بزرگترین کتاب بشریت به شمار می‌رفت، کشته شد (Choay, 2001: 404). اما، لوکله زیو، هنوز تمایل به مرور این کتاب دارد: «در خیابان، همه چیز به نظرم نگاشته می‌آید. شهر یک معماری نگاشته است.» (Salgas, 1985: 6) بنابراین باید شهر را خواند و هر کلمه، جمله، پاراگراف و فصل آن را دریافت (Perc, 2000: 121-122). بارت در مقاله «نشانه‌شناسی و شهرسازی» می‌گوید: «... شهر، متن موزون است که به خوبی بر موضوعی خاص متمرکز است» (Barthes, 1988: 191-201). شهر بارها به متنی تشبیه شده که آکنده از نشانه‌ها و معناهایی است که خواننده باید از آن رمزگشایی کند. موقعیت‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم، شرایط و حتی خاطره‌ها می‌توانند معانی را تغییر دهند. بنابراین معنا باید در بستر و زمینه یا به اصطلاح زبان‌شناسان در «متن» شکل‌گیری آن بررسی شود (Shole 2009, 106).

شهر یک متن است. با این تعبیر می‌توان وارد دنیای متن شهر شد. از مهمترین ویژگی‌های آن به مثابه یک کل به هم پیوسته با آغاز و پایان مشخص و داشتن قطعاتی قابل تقسیم به قطعات خردتر که هر یک از پیوستگی و انسجام درونی برخوردارند. تعمیم این ویژگی به [متن] شهر در تبعیت از اصول سلسله‌مراتب و پیوستگی فضایی واضح و روشن می‌نماید (Ibid: 109). در شهرسازی، کریستوفر الکساندر با استفاده از اصول ترکیب، تکمیل، سلسله‌مراتب ارتباطی و ... متن شهر را تا رسیدن به کلمات مورد بررسی قرار می‌دهد (Alexander, 1977). در شهر، هر بنا، نقشی ویژه‌ای می‌یابد. مجموعه بناها جمله را شکل می‌دهند. محلات، فصول و متون را می‌سازند و شهر کتاب می‌شود. می‌توان کتاب را در کلیت آن خواند، بی آن که به اعتبار متن، جمله و واژه خللی وارد آید و می‌توان هر واژه، جمله یا متن را بی‌رجوع به تمامی کتاب بازخواند و معنای خاص آن را باز یافت (Habibi 2001, 103).

بر این اساس، در پژوهش متن ساخت کالبد شهر، معنا جست‌وجو می‌شود. در «معناشناسی شهری»، شهر به مثابه واقعیتی «معنایی- نمادین» تعریف شده که هر جزء آن می‌تواند به عنوان نشانه‌ای معنادار و قابل تفسیر در نظر گرفته شوند (Fakoochi 2004, 33). به نظر می‌رسد می‌توان «معناشناسی» را به قلمروی جستارهای شهرشناسانه نیز گسترش و از رویکرد معناشناسی برای شناخت، تحلیل و طراحی شهر استفاده نمود (Shole 2009, 108). رایاپورت در معنای محیط ساخته شده معتقد است: معنای محیط می‌تواند با مدل‌های زبان‌شناسانه که رویکرد معناشناختی نامیده می‌شود، مطالعه شود (Rapoport 2005, 35).

دوستداران شهرسازی و معماری گذشته، چند دهه است که بر از دست رفتن محلات تاریخی و بناها و فضاهای مانوس تأسف خورده و از معماری و شهرسازی امروزی اطراف شهرهای تاریخی روی برگردانده و خود را کنار می‌کشند. اما هر چه می‌گذرد، حلقه محاصره گستره‌های جدید بر گرد محلات قدیمی تنگ‌تر و آثار و

علائم حیات در آنها بیشتر از دست می‌رود (M. Tavasoli 1991, 7). در حالی که مجموعه‌های تاریخی، میراث معنادار ارزشمند به جای مانده از گذشتگان بوده و مردم بر اساس معنای دریافتی از محیط پیرامون در مقابل آن عکس‌العمل نشان می‌دهند و پاسخ‌های آنها در برابر محیط بر مبنای معنایی است که محیط برای آنها دارد؛ در نتیجه مطالعه معنای محیط اهمیت دارد. چون مخاطب اصلی معنا، انسان‌ها هستند و مهمترین هدف طراحی شهر، برقراری رابطه انسان با محیط محسوس است و حفظ، نگهداری و ایجاد فضاهای با معنا برای وی از طریق طراحی و بازطراحی شهر موضوعیت می‌یابد.

معنا به عنوان یک مفهوم، دارای ساخت است. ساخت معنا، شبکه‌ای از واحدهای معنایی و روابط میان آنهاست (Larsen 2008). پژوهش و طراحی ساخت معنا در ابعاد مختلف بستر و محمل شهر انجام می‌شود. بُعد کالبد آن، مناسبترین مبنایی است که می‌توان تصویر کلی معنا را بر آن بنا نمود. در صورتی که، تمایلات، فعالیت‌ها و واکنش‌های انسانی که بخشی از تعامل میان ساکن و سکونتگاه هستند، نسبتاً نامحسوس اند (Kropf, 1996: 250). چون بُعد کالبد از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و ... شهر با ثبات‌تر و محسوس‌تر است، پژوهش ساخت معنا در ساخت کالبد از طریق تطبیق ساخت معنا با ساخت کالبد شهر انجام شده است. در تطبیق رویکرد «معناشناسی» با ویژگی‌های «شهر امروز» کندوکاوی عمیق لازم می‌نماید (Shole 2009, 108).

مجموعه تاریخی شهر یزد یکی از متون بسیار مهم کتاب شهر یزد به عنوان نمونه موردی پژوهش انتخاب شد. این متن در طول سالیان، دارای واژگان، جملات و پاراگراف‌های غنی از نظر معنایی بوده و در ذهن مردم این شهر و بازدیدکنندگان داخلی و خارجی از آن، تصویری نقش بسته است. به نحوی که تاکنون توانسته به عنوان یک متن با معنا عمل کند. زیرا می‌توان آن را خواند و واژگان، جملات و پاراگراف آن را دریافت. ساخت یاد شده، گل متشکل از ساخت‌های بخشه‌ها، سوپر بلوک‌ها، بلوک‌ها و دانه‌هاست. این مجموعه، متنی است که دارای پاراگراف‌ها، جملات، کلمات و تکواژهای متعدد با معنا بوده و در طول زمان در معنا و هویت بخشی به شهر یزد و حیات آن همواره نقش بارزی ایفا نموده است. این امر، مرهون همبستگی ساخت کالبد با ساخت معنا بوده و دلالت بر اهمیت آن دارد. در سالیان اخیر، کالبد مجموعه پراثر گسستگی، تخریب و فرسودگی، بخشی از معنای خود را از دست داده و در بخش‌هایی از کالبد، معنا کفایت لازم را ندارد. این مهم، خوانش معنای متن را دچار چالش جدی کرده و سبب شده گاهی تصورات روشن از آن در ذهن خواننده شکل نگیرد. در اغلب مداخلات انجام شده، کم‌توجهی به همبستگی این دو، سبب از دست رفتن کالبد با معنا یا ایجاد کالبد نو با معنای جدید در این متن شده است. انگیزه‌های معلوم و نامعلوم، بارها مسئولان و متخصصان را به فکر حفظ معنا و هویت کالبد گذشته انداخته است. وضع مقررات و شروع اقدامات با روش‌های گوناگون در حفظ معنا و هویت کالبد گذشته، مؤید این امر است. اما هر بار این اقدامات از نیمه و گاهی ابتدای راه، رها و مقررات وضع شده نتوانسته مورد عمل قرار

گیرند. فقدان نگرش سیستمی به مجموعه و نگاه معناشناسانه از علل توفیق نیافتن اقدامات یاد شده بوده، بنابراین ضرورت دارد تا مواجهه ویژه برای به کفایت رساندن معنا در بخش‌های گسسته، فرسوده و تخریب شده انجام و از مواجهه‌های اندیشیده نشده، پرهیز و تأکید بر پژوهش‌های معناشناسانه قبل از هر نوع مداخله باشد. در نتیجه تطبیق ساخت کالبد با ساخت معنای مجموعه با تأکید بر زمینه‌گرایی و تداوم هویت، هدف پژوهش قرار گرفت. تحقق چنین امری، منوط به پیگیری نسبت معنا و کالبد در این مجموعه است.

در ایران، درباره ابعاد و مؤلفه‌هایی که معناشناسی به طور عام و معناشناسی در معماری و شهرسازی به طور خاص با آن سرو و کار دارد، کار برجسته‌ای انجام نشده است. در حالی که تجربه غرب در تدوین مبانی نظری و اصول و الگوهای شکل دهنده شهرها غنی است. طراح غربی همواره گنجینه‌ای از چارچوب و مبانی نظری مدون در اختیار داشته و آموزش مباحث نظری در دانشگاه‌های غربی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است ولی در ایران، فقدان مبانی نظری ساخت کالبد و معنا که بتوان مداخلات را با اتکا به آنها انجام داد، در غالب مداخلات انجام شده بسیار اندک بوده است. این نوشتار، قدمی در این رابطه است. پژوهش‌های تکمیلی و کاربرد آنها می‌تواند موجبات حفظ و تداوم ارزش‌های محیطی، سنت‌ها و قالب‌های بامعنا و باهویت کالبد مجموعه را فراهم آورد. مرور پیشینه پژوهش در منابع خارجی نشان دهنده گستره مباحث ساخت کالبد و ساخت معنا از لحاظ موضوع و روش است. در حالی که، در منابع داخلی با استفاده از روش‌های ارائه شده در منابع خارجی، مطالعات محدودی از لحاظ موضوع انجام شده اما از نظر روش، مطالعات اساسی تاکنون ارائه نشده است. نکته قابل توجه در بررسی‌ها، حاکی از بررسی مجرد ساخت کالبد، ساخت معنا و نسبت و یا رابطه کالبد بامعنا بوده و نسبت ساخت کالبد با ساخت معنا با یکدیگر کمتر مورد توجه قرار داده شده است. در حالی که در این پژوهش سعی شده، ضمن ملاحظه مجرد آنها از طریق تطبیق این دو با هم به نسبت آنها نیز توجه شود.

۲. چارچوب نظری

ساخت، کالبد و معنا، مفاهیمی بودند که در منابع گوناگون مرور شدند، تعاریف آنها مورد توجه قرار داده شدند، اجزای تشکیل دهنده و مدل‌های نظری آنها با در نظر گرفتن تعاریف انتخاب و در این پژوهش به کار گرفته شدند.

۲.۱. مدل نظری ساخت

یک ساختار، مجموعه عناصری هستند که با یکدیگر مرتبط هستند (Jackson, 1991: 24). هرگاه میان اجزای مجموعه‌ای که کلیت آن مورد نظر است، روابط نسبتاً ثابت و پابرجایی برقرار باشد، مفهوم ساخت به دست می‌آید (G. Tavasoli 1991, 125).

مفهوم ساخت به طور ویژه در مکتب ساخت‌گرایی مطرح شده است. مکتبی که از اوایل قرن بیستم آغاز شد و سپس در رشته‌های

مختلفی از جمله معماری وارد شد. دوسوسور^۱ واژه ساختار را به کلمه‌ای آشنا و مهم در زبان‌شناسی و دیگر حوزه‌های دانش تبدیل کرد (Meghdadi 2014, 258). تفکر ساخت‌گرایی پس از زبان‌شناسی در مطالعات انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و هنر وارد شد و اندیشمندان گوناگون با تئوری‌های مختلف این راه را ادامه دادند. مطالعات ساخت‌گرایی در اوایل دهه ۱۹۵۰ ادامه پیدا کرد. سپس با ادامه تفکر ساختارگرایی در معماری و شهرسازی نهضت‌هایی فرصت انجام تحقیقاتی در این زمینه یافتند. در ایران نیز مطالعاتی در زمینه ساختارگرایی، معناشناسی و رابطه این دو صورت گرفته است. مشخصات برخی از صاحب‌نظران ساخت‌گرایی در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

سوسور، الگوی «دوتایی» یا دو بخشی را برای ساخت نشانه پیشنهاد می‌کند. با تمرکز بر نشانه‌های زبانی، نشانه را مرکب از یک «دال آ» و یک «مدلول آ» می‌داند. دال شکلی است که نشانه به خود می‌گیرد و مدلول مفهومی که نشانه به آن ارجاع دارد (تصویر شماره ۱). از نظر او نشانه‌ها قراردادی‌اند و ماهیت اختیاری دارند. به این معنا که در نظام نشانه‌ای، رابطه‌ای که میان دال و مدلول ایجاد می‌شود، امری تغییرپذیر و غیرذاتی بوده و دچار تغییر و دگرگونی می‌شود (Saussure, 1966: 118). در تمام تعاریف رابطه بسیار قوی بین «نشانه» و «معنا» وجود دارد؛ از نظر هیلمسو، نشانه‌شناسی همان معناشناسی است (Rey-debove, 1979: 130). آن را، مطالعه نشانه‌ها و نمادهای شهر نیز تعریف کرده‌اند (Gottdiener, 1986).

اشتروس معتقد است، ساختارگرایی چیزی بیش از تلاش برای یافتن عنصر دگرگونی‌ناپذیر نیست. به بیان دیگر، شناخت عنصر دگرگونی‌ناپذیر در میان تمایزهای سطحی است (Ahmadi 2003, 184). از نگاه وی، ساختارگرایی، تجلیات ساختار درونی ذهن آدمی است (Aslam javadi and Nikpey 2010, 196). اشتروس، ساختارهای ذهنی و اجتماعی را به لایه‌های زمین‌شناسی تشبیه می‌کند که هر لایه، لایه زیرین و کهن‌تر را پوشش می‌دهد. از نظر وی، جهان اجتماعی دست‌کم از سه لایه روی هم تشکیل شده است (Fakoochi 2007, 187-188) (تصویر شماره ۲). ژان پیازه، ساختار را یک نظام گشتاری (دگرگون‌سازی) می‌داند. وی مفهوم ساختار را در بر گیرنده سه اصل (اصل کلیت، اصل گشتاری و اصل خودنظامی) معرفی می‌کند. براساس نظر پیازه، ساختار کلیتی است که از طریق قوانین گشتاری، خود را تغییر می‌دهد و سازماندهی می‌کند (Meghdadi 2014, 259).

تفکر ساخت‌گرایی که در دهه ۱۹۵۰ از طریق مباحثه بین سیام و تیم‌تن، به عنوان روش در معماری و شهرسازی سر برآورد، در ارتباط با تفکر اشتروس قرار داشت (Partovi 1999, 108). چامسکی با انتقاد از ساختارگرایی بر مبنای داده‌های زبانی، دستور زبان را

۱۱۱

شماره سی و یک

تابستان ۱۳۹۸

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهر

در مجموعه تاریخی شهر یزد
تطبیق اجرای ساخت معنا با ساخت کالبد

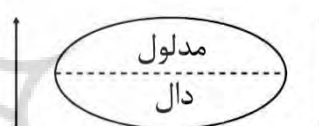
- 1 Ferdinand de Saussure
- 2 Signifier
- 3 Signified

جدول شماره ۱: دیدگاه‌ها و نظریه‌های ساخت‌گرایی

ردیف	نظریه پرداز	سال	عنوان نظریه/کتاب/مقاله	حوزه	واژگان کلیدی	منابع
۱	آلبرتی و پالادیو	رنسانس	ویرایش "ده کتاب معماری" نوشته ویتروویوس	معماری	----	Partovi 1999, 109- (110)
۲	دوسوسور	۱۹۱۶م	دروسی در زبان شناسی همگانی	زبان شناسی	دال، مدلول، درزمانی، همزمانی، ساخت زبان	Saussure, 1966: (118)
۳	کلود لوی اشتروس	۱۹۴۹م	کتاب ساختارهای مقدماتی خویشاوندی	انسان شناسی	ساختارهای اجتماعی، نظام‌های اسطوره‌ای	(Partovi 1999, 106)
۴	آلدو ون ایک، هرمان هان، جاکوب باکما و هرمان هرتز	۱۹۵۰م	----	معماری و شهرسازی	فرهنگ‌های ابتدایی در آفریقا و آمریکا، فرم‌های سکونتگاه‌ها	Partovi 1999, 109- (110)
۵	گروه‌های سیام و تیم تن، نهضت‌های بروناتالیسم و فرمالیسم	۱۹۵۰م	----	معماری	تندیس‌گرایی، فرم‌گرایی	Partovi 1999, 109- (110)
۶	نوام چامسکی	۱۹۶۰م	تئوری زایشی زبان	زبان شناسی	دستور زبان گشتاری، زیرساخت، روساخت	(Lotfi 2005, 16)
۷	ادموند بیکن	۱۹۶۷م	کتاب طراحی شهرها	شهرسازی	خطوط ارتباطی، نظام‌های حرکتی	(Bahreini 2009, 157)
۸	بذرگر	ش. ۱۳۸۲	شهرسازی و ساخت اصلی شهر	شهرسازی	ساخت‌گرایی، استخوان‌بندی اصلی	(Bazrgar 2003)
۹	لطفی	ش. ۱۳۸۴	مقدمه‌ای بر تحلیل ساختاری- دستوری کالبد شهر	شهرسازی	زبان شناسی ساختاری، جمله کالبدی	(Lotfi 2005)
۱۰	نورمحمدزاد	ش. ۱۳۹۰	نظریه ساخت و بافت	شهرسازی	ساخت سیستم و زیرسیستم‌ها، پیوندهای درونی و بیرونی	Noormohamadza (2011)

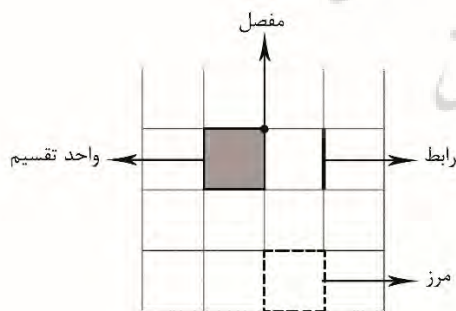


تصویر شماره ۱: الگوی سوسور از نشانه (Chandler 2008)

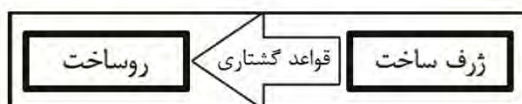


تصویر شماره ۲: لایه‌های ساختارگرایی (Fakoochi 2007, 187)

به چند و چند و چند به چند اجزای بیان شده است (Noormohamadza and Behzadfar 2011). چون این نظریه به طور همه جانبه، به اجزای ساخت، اعمال ایجادکننده (گشتارها)، انتظام‌دهنده‌ها و اصول (شکل‌دهنده) می‌پردازد، نظریه مبنای پژوهش قرار داده شده است.



تصویر شماره ۳: ساخت زبان (Chomsky 1983)



تصویر شماره ۴: مدل عام پیوند ساخت (Noormohamadza and Behzadfar 2011)

مجموعه قواعد معین معرفی کرد که همه جملات ممکن را در زبان خاصی تولید می‌کند (Porafkari and Kianpor 2006, 23). وی در دستور زبان گشتاری، برای جملات زبان، دو سطح ژرف ساخت^۱ و روساخت^۲ و نیز گشتارهای دستوری^۳ در نظر گرفته است. گشتار، تغییراتی که لازم است بر ژرف ساخت جمله اعمال تا به روساخت تبدیل گردد. به عبارت دیگر، گشتارها ارتباط دو سطح ژرف ساخت و روساخت را برقرار می‌سازند (Meshkatodini 1994, 35-38) (تصویر شماره ۳). در واقع قواعد گشتاری بر زنجیره‌ای با ساخت سازه‌ای مشخص عمل می‌کنند و زنجیره‌ای تازه با ساخت سازه‌ای تازه به دست می‌دهند (Dabirmoghadam 2007, 95).

در نظریه ساخت کالبد شهر، واحدهای تقسیم، رابط‌ها، مفصل و مرزها، اجزای آن هستند که با گشتارهایی در محیط، پیوندهای ساخت را شکل می‌دهند. واحد تقسیم، شکل کالبد و اجزای آن است. رابط، فصل مشترک واحدهای تقسیم است. مفصل، محل تلاقی رابط‌ها و مرز، بیرونی‌ترین حدنهایی واحدهای تقسیم است (تصویر شماره ۴). ساخت از اصولی تبعیت دارد و برآیند ساخت‌های افقی و عمودی حاصل از پیوندهای درونی و بیرونی یک به یک، یک

- 1 Deep structure
- 2 Surface structure
- 3 Grammatical Transformation

۲.۲. مدل نظری ساخت معنا

معنا، ذهنیت‌هایی است که یک محرک برای ناظر به وجود می‌آورد؛ زمانی که آن را با تجربیات، اهداف و منظورهایش مقایسه می‌کند (Habib 2006, 7). در واقع تمام چیزهایی است که در جریان بازیابی یک مفهوم برای ما تداعی می‌شود. یعنی دانسته‌ها، تصاویر ذهنی، خاطرات و ویژگی‌های شکل گرفته از آن پدیده در ذهن شماست (Pakzad, Bozorg, 2014, 191). معنا دارای ساختار است. ساخت معنا، شبکه‌ای از واحدهای معنایی و روابط میان این واحدهاست (Larsen 2008). مشخصات برخی از صاحب‌نظران معناشناسی در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است.

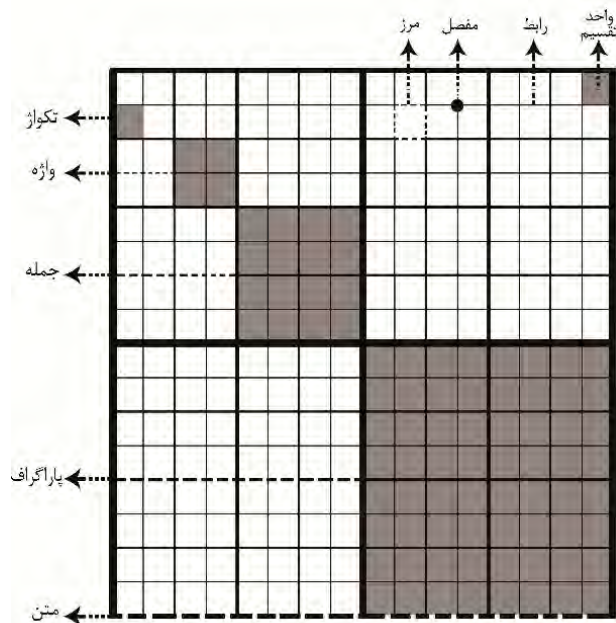
۲.۲.۱. اجزای ساخت معنا

تکواژ، کوچکترین واحد معنی‌دار زبان است (Safavi 2004, 31 - 32). واژه از دیگر واحدهای بنیادین معناشناسی است. معنی واژه باید در ارتباط با سایر کلمات و شاید با تمامی جمله مورد نظر قرار گیرد (Palmer 1987, 73). جمله، از دیگر واحدهای مطالعه معناست (Ibid:32). معنای مستقلی از کلمه یافت نمی‌شود. معنای کلمه در جمله‌ای که در آن می‌آید وجود دارد (Mokhtaromar

2006, 37). واژگان با اعمال گشتار با هم رابطه یافته و جمله ایجاد می‌شود (Palmer 1987, 198). از کهن‌ترین ایام، پاراگراف به عنوان جزء اصلی سلسله معانی به روشنی تصور می‌شده است. پاراگراف‌ها، گروهی از جملات هستند که اندیشه‌ای را می‌پروانند (Amini 2010, 61). برخی نیز واحد معنایی را متن می‌دانند. متن، یک واحد اساسی در معنای زبان است (Mokhtaromar 2006, 35). متن به عنوان تعبیری فراگیر و هر آنچه بتوان خوانشی از آن به دست داد، به کار رفته است (Sojodi 2003, 155-161). واژه «متن» بریک بافته یا یک بافت در هم تنیده دلالت دارد (Barthes 1991). معنای متن، امری ذهنی، اما وجود آن امری مادی است. متن منبعی بیکران از معناست. چه کل آن و چه، جزء جزء آن را می‌توان به اشکال گوناگون تفسیر و فهمید (Neshat 2011, 124-125). بر اساس نظریه ساخت در مورد ساخت معنا، واحدهای تقسیم شامل معانی تکواژها، واژه‌ها، جملات، پاراگراف‌ها و متون هستند. فصل مشترک معانی تکواژها، واژه‌ها، جملات، پاراگراف‌ها و متون، رابطه‌ها را می‌سازند. محل تلاقی رابطه‌ها، مفاصل را می‌سازند. بیرونی‌ترین حد معانی تکواژها، واژه‌ها، جملات، پاراگراف‌ها و متون، مرزها هستند. (تصویر شماره ۵)

جدول شماره ۲: دیدگاه‌ها و نظریه‌های معناشناسی

ردیف	نظریه پرداز	سال	عنوان نظریه / کتاب / مقاله	حوزه	واژگان کلیدی	منابع
۱	کوبین لینچ	۱۹۶۰م	سیمای شهر	شهرسازی	تصویر ذهنی، ادراک	Lynch, The image of the city (۲۰۰۲)
۲	امس راپاپورت	۱۹۸۲م	معنای محیط ساخته شده	شهرسازی	معنا، محیط مصنوع	(۲۰۰۵ Rapoport)
۳	مارکوس و کامرون	۲۰۰۲م	واژگان در میان فضاها (ساختمان‌ها و زبان)	شهرسازی	ساختار زبان، تعامل زبان و طراحی	(۲۰۰۲, Cameron, Markus)
۴	جاورسکی و تارلو	۲۰۱۰م	مناظر مصنوعی: زبان، تصویر، فضا	شهرسازی	تعامل زبان شناسی و شهرسازی	(۲۰۱۰, Jaworski, Thurlow)
۵	دانشپور، رفیعی	۱۳۸۵ ش.	پست مدرنیته و نگرش‌های جدید معناشناختی در شهرسازی	شهرسازی	زبان و متن، معنا، پست مدرنیسم	(۲۰۰۶, Daneshpor, Rafiee)
۶	دکتر فرح حبیب	۱۳۸۵ ش.	کندوکاوی در معنای شکل شهر	شهرسازی	معنا، شکل شهر، تصویر ذهنی	(۲۰۰۶ Habib)
۷	پورجعفر و دیگران	۱۳۸۷ ش.	بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان	شهرسازی	محیط، فضا، مکان، معنا و ماندگاری	Porjafar, M, Sadeghi, A., yousefi, Z (۲۰۰۸)
۸	دکتر مهسا شعله	۱۳۸۸ ش.	روش شناسی تحلیل حوزه‌های نشانه - معنایی شهر	شهرسازی	معناشناسی شهری، همزمانی، در زمانی	(۲۰۰۹ Shole)
۹	سپهری مقدم و ذکری	۱۳۹۱ ش.	مفاهیم موجود در ارتباط معنایی کالبد بناهای شهری	شهرسازی	ارتباط معنایی، سطوح معنی	(Sepehri moghadam, Zakeri, ۲۰۱۲)
۱۰	میرزایی و دیگران	۱۳۹۱ ش.	معنا در مکان و آفرینش هویت	شهرسازی	معنا، هویت و مکان	Mirzae, Teymori, nejadsatari (۲۰۱۲)
۱۱	سجادزاده، پیربابایی	۱۳۹۱ ش.	فرآیند رخداد معنا در فضای شهری	شهرسازی	معناشناسی، فضای شهری، ساختار	(Sajadzade, pirbabae, mohamadtaghi, ۲۰۱۲)
۱۲	کلالی، مدیری	۱۳۹۱ ش.	تبیین نقش مؤلفه معنا در فرآیند شکل‌گیری حس مکان	شهرسازی	حس مکان، معنای مکان	(۲۰۱۲, Kalali, Modiri)
۱۳	جلیلی، آسوده	۱۳۹۳ ش.	ارزیابی معناشناختی المانهای محیطی و تهدید استحاله معنایی و عملکردی شهرزیارتی مشهد به توریستی	شهرسازی	ارزیابی معناشناختی	(۲۰۱۰, Jaworski, Thurlow)



تصویر شماره ۵: مدل عام اجزای تشکیل دهنده معنا (Safavi 2004), (Palmer 1987) و (Noormohamadfad and Behzadfar 2011)

۲،۲،۲. گشتارهای ساخت معنا

روند (Ibid:72). در تصویر شماره ۶، واحدهای معنایی در حوزه معنایی الف به عنوان مولد با سه گشتار اصلی یادشده به شکل واحدهای دیگری در آمده و ارائه شده‌اند. دستور زبان، چگونگی پیوند واژه‌ها در جملات را توصیف می‌کند. این پیوند با اعمال گشتارها شکل می‌گیرد (Ibid:21). نقش داشتن، تأکید کردن، احساس کردن، استنباط کردن، ارتباط دادن، دانستن، دریافت کردن و ایجاد کردن، خردگشتارها در ساخت معنا هستند که با گشتارهای اصلی افزایش، جابه‌جایی و حذف پیگیری می‌شوند (F. Rahmani 2015, 51).

گشتارهای دستوری، افعالی هستند که بر واحدهای تقسیم (تکواژ، واژه و ...) اعمال می‌شود تا ساخت تولید شود (Meshkatodini 1994, 36). نخستین تکواژ، واژه یا ... در هر مرتبه، مولد است که با اعمال گشتارهای مشخص، واحد تقسیم دوم شکل می‌گیرد. این روند ادامه یافته تا ساخت مورد نظر حاصل شود. در هر زبان، قواعد گشتاری خاص بر پایه عملکرد گشتارهای اصلی صورت می‌پذیرد (Ibid:71) سه نوع گشتار اصلی (افزایش، جانشینی و حذف) ممکن است، در تدوین قواعد گشتاری خاص به کار



تصویر شماره ۶: تبدیل مولد به ساخت با اعمال گشتارهای اصلی

۱ براساس منابع مختلف از جمله:

(Lynch 2002), (Lynch 2008, 166-192), (Pakzad 2010), (Oxford Advanced Learner's Dictionary 2007: 951), (Porjafar, Sadeghi, yousefi, 2008), (Sodani, Merabizade, Zarghamian, 2012), (Goharipor 2008), (18-24) و (Nowrozi 2007).

۲,۲,۳. انتظام دهنده‌های ساخت معنا

انتظام دهنده‌ها، قواعدی هستند که نقش نظم‌بخشی دارند. به فرآیندهای دستوری خاصی که از راه اعمال تغییرات مناسب، مولد را به ساخت تبدیل می‌کند، قاعده (دستوری) گشتاری گفته می‌شود (Meshkatodini 1994, 67). برای رسیدن از مولد به ساخت، به گشتار که با قواعدی محقق می‌شود، نیاز است. با قاعده گشتاری، تغییر ویژه‌ای بر مولدها اعمال می‌شود تا ساخت مناسب تولید شود (Ibid:38). در مواردی لازم است چند گشتار، یکی پس از دیگری برنجیره مولدها اعمال شود تا ساخت مورد نظر پدید آید (Ibid:67).

۲,۲,۴. اصول ساخت معنا

«این‌همانی» و «اصل ارجاع‌پذیری» از اصول موضوعه معناست که فرگه مطرح نموده است. از نظری، اصل این‌همانی تنها برای اشیا به کار می‌رود و شرط آن این است که وقتی ما می‌گوییم شی «الف» همان شی «ب» است، اگر «الف» مصداق هر مفهومی باشد، «ب» نیز مصداق همان مفهوم است و برعکس. اصل ارجاع‌پذیری به معنی وجود منبع و مرجع برای هر چیزی در ذهن است. ذهن توانایی روی آوردن به غیر را دارد (Saliminaveh 2010, 41). سلسله‌مراتب از اصول متعارفی ساخت معناست. مولدها به طور فزاینده در تبعیت از این اصل با ساختارهای دستوری به واحدهای بزرگتر گروه‌بندی می‌شوند. تکواژها با یکی شدن، کلمه را تشکیل می‌دهند. برای تشکیل جملات، کلمات به هم ملحق می‌شوند. جملات به پاراگراف‌ها و این اتحاد برای تشکیل یک متن، داستان، نامه، موعظه و یا چیزهای دیگر است. کوچکترین واحد، جز معنایی است. اجزای معنایی به هم می‌چسبند و مفاهیم را به وجود می‌آورند. مفاهیم، موضوعات را، موضوعات، بندهای معنایی را و بندهای معنایی برای تشکیل واحد بزرگتر گفتار با هم یکی می‌شوند (Larsen 2008, 33). تقارن میان اجزای معنا و مراتب معنایی به صورت زیر است:

جدول شماره ۳: تقارن میان اجزای معنا و مراتب معنایی

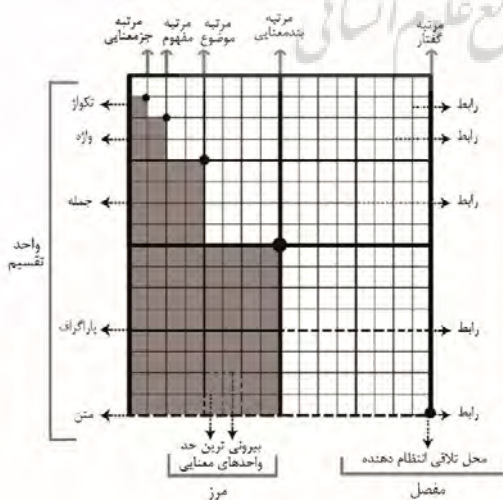
مراتب معنایی	اجزای معنا
جزء معنایی	تکواژ
مفهوم	کلمه
موضوع	جمله
بند معنایی	پاراگراف
گفتار	متن

۲,۲,۵. مدل ساخت معنا

جمع‌بندی بررسی‌ها نشان داد رابطه معنای تکواژها، واژه‌ها، جملات، پاراگراف‌ها و متون و فصل مشترک آنها با یکدیگر و محل تلاقی فصل مشترکشان با هم، با گشتارهای افزایش، جای جایی و حذف، با استفاده از قواعد و در تبعیت از اصول سلسله‌مراتب، این‌همانی و ارجاع‌پذیری، ساخت معنا را می‌سازد. ساخت معنا برآیند ساخت‌های مراتب گوناگون گفتار، بندهای معنایی، موضوعات، مفاهیم و جزء معنایی و روابط آنها با یکدیگر است (Rahmani 2015, 53) (تصویر شماره ۷).

۲,۲,۳. مدل نظری ساخت کالبد شهر

کالبد به معنی قالب و قالب هر چیز است (Dehkhooda 1994). از کالبد به معنی قالب هر چیز، تن و بدن آدمی، نمونه و سرمشق یاد شده است (Moein 1974). کالبد از قسمت‌هایی ترکیب شده و هر قسمت به نحوی عمل می‌کند که در خدمت سایر قسمت‌ها و مکمل آنهاست (Bazrgar 2003, 54). کالبد شهر متشکل از اجزای مختلف که با برقراری روابط آنها با یکدیگر، کالبد تشکیل می‌شود (Ibdi: 57). بررسی ساخت کالبد شهر با مدل نظری عام ساخت پیگیری شده است. در این مدل، اشکال اجزای کالبد شهر (شامل واحد تقسیم، رابط، مفصل و مرز) طی گشتارهایی، با انتظام‌دهنده‌ها در تبعیت از اصولی با هم رابطه برقرار کرده و ساخت کالبد شهر را به وجود می‌آورند (Noormohamad and Behzadfar 2011).



ساخت معنا			مراتب معنا
اصول	انتظام دهنده‌ها	اجزای معنایی	جزء معنایی
این‌همانی ارجاع‌پذیری سلسله‌مراتب	قواعد	گشتارها	تکواژ
		افزایش	واژه
		جایجایی	جمله
		حذف	پاراگراف
		نقش‌داشتن	
		تأکید کردن	
		احساس کردن	
		استنباط کردن	
		ارتباط دادن	
		دانستن	
		دریافت کردن	
		ایجاد کردن	
		متن	گفتار

تصویر شماره ۷: مدل عام ساخت معنا (Rahmani 2015, 53)

۲,۳,۱. اجزای ساخت کالبد

رابطه داشتن، شکل دادن، فراهم کردن، سازمان یابی کردن و به وجود آوردن بر اجزای ساخت در مراتب گوناگون اعمال می‌شوند. نخستین جز به عنوان مولد محسوب می‌شود که با زایش کردن اجزای ساخت تولید شده و با اعمال سایر گشتارها بر آن، ساخت شکل می‌گیرد (Rahmani 2015, 59).

۲,۳,۳. انتظام دهنده‌های ساخت کالبد

سه گونه سازماندهی اصلی (مرکزی، خطی و سازمان دهی آزاد) برای کالبد می‌توان در نظر گرفت؛ امکان سازماندهی خالص و اصلی به ندرت پیش می‌آید. در اغلب موارد با گونه‌های شبیه یا با ترکیبی از این سیستم‌ها مواجه هستیم (Grutter 1996, 552). علاوه بر سه گونه یاد شده، سیستم‌های شعاعی، مجموعه‌ای و شبکه‌ای نیز مطرح هستند (Ching 2006, 205). نظم سیستم‌های برشمرده معلول انتظام دهنده‌های مرکز، محور(خط) و عامل فرضی(خط، سطح و حجم) هستند.

۲,۳,۴. اصول ساخت کالبد

اصول، شکل دهنده‌های ساخت کالبد هستند. هر یک، نقش خاصی در شکل‌گیری ساخت کالبد ایفا می‌کنند. سلسله‌مراتب، تناسبات، الگوهای ترجیحی، پیوستگی، تکرار، مجاورت، ترتیب و محدودیت انواع، انواع اصول ساخت کالبد هستند. ساخت کالبد در تبعیت از اصل سلسله‌مراتب در مراتب: ساخت کالبد دانه‌ها، بلوک‌ها، سوپربلوک‌ها و بخشه‌ها و رابطه‌های درونی و بیرونی آنها در محیط شکل گرفته است (Noormohamadfad and Behzadfar 2011).

۲,۳,۵. مدل ساخت کالبد

مدل نظری عام ساخت و مدل نظری کالبد و اصول مترتب به کار گرفته شدند و «مدل ساخت کالبد» ساخته و ارائه شد (جدول شماره ۴) (تصویر شماره ۱۰). در این مدل، اشکال کالبد اجزای توده‌ها، بلوک‌ها، سوپربلوک‌ها و بخشه‌ها مورد ملاحظه قرار داده شدند تا ساخت کالبد مراتب مجموعه تاریخی شهر یزد پژوهش شود.

کالبد، قالب چیزهایی است که جسم را می‌سازند. آنچه که درون جسم ریخته می‌شود، قالب را می‌سازد. کالبد در ماده شکل پذیر، فرم پیدا می‌کند و به عبارتی ماده شکل پذیر در هر نمود خویش، صورتی از ذات و حقیقت را عیان می‌کند (Nowrouzitalab 2010, 72). از نظر ارسطو فرم، سازمان دهنده ماده است که تأکید وی را بر نقش فرم نشان می‌دهد (Ibid). فرم، عبارتست از تظاهر حسی و واضح پدیده که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد (Grutter 1996, 275). فرم، ظاهر، ساختار و چگونگی نحوه رشد محتوا و تجسد و بیان آن است (Pakzad 2010, 96). فرم متأثر از محتواست (Grutter 1996, 276). فرمی را بدون محتوا و محتوایی را بدون فرم نمی‌توان تصور کرد. محتوا، معنی نهفته در یک پدیده است (Pakzad 2010, 96). بر این اساس، کالبد با ماده، فرم پیدا کرده و فرم متأثر از محتواست، بنابراین اشتراک فرم، ماده و محتوا(معنی) کالبد را می‌سازند (Rahmani 2015, 58).

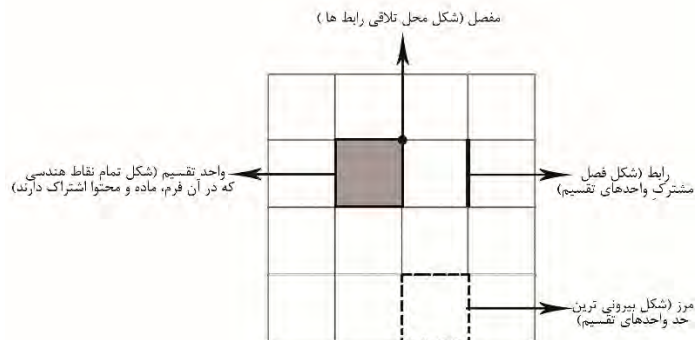
در ساخت کالبد، واحدهای تقسیم، اشکال اشتراک فرم، ماده و محتوا هستند. فصل مشترک واحدهای تقسیم، رابطه‌ها و محل تلاقی رابطه‌ها، مفاصل را می‌سازند. بیرونی‌ترین حد واحدهای تقسیم، مرز است (Rahmani 2015, 58) (تصویر شماره ۸). بر اساس نظریه ساخت، اجزای ساخت کالبد بخشه، اشکال کالبد بخشه‌ها، گذرهای اصلی، مرزها، تقاطع‌ها، میادین، چهارسوها و مرز کالبد بخشه‌ها هستند. اجزا در ساخت کالبد سوپربلوک، اشکال کالبد سوپربلوک‌ها، گذرهای فرعی، مرزها، تقاطع‌ها، نقاط و مرز کالبد سوپربلوک‌ها هستند. در بلوک این اجزا، اشکال کالبد بلوک‌ها، کوچه‌ها، مرزها، تقاطع‌ها، میادین، نقاط و مرز کالبد بلوک‌ها و در دانه این اجزا، اشکال کالبد دانه‌ها، بن‌بست‌ها، دربندها، مرزها، ورودی‌ها، نقاط تلاقی مرزها و مرز کالبد دانه‌ها هستند (Rahmani 2015, 60) (تصویر شماره ۹).

۲,۳,۲. گشتارهای ساخت کالبد

زایش، چیدمان، آرایش، ترتیب و استقرار یافتن، گشتارهای اصلی ساخت کالبد هستند. با خردگشتارهای تکرار، مجاورت، تخلیط، امتداد، چرخش، دوران، لغزش، مرتبط ساختن، پدید آمدن،



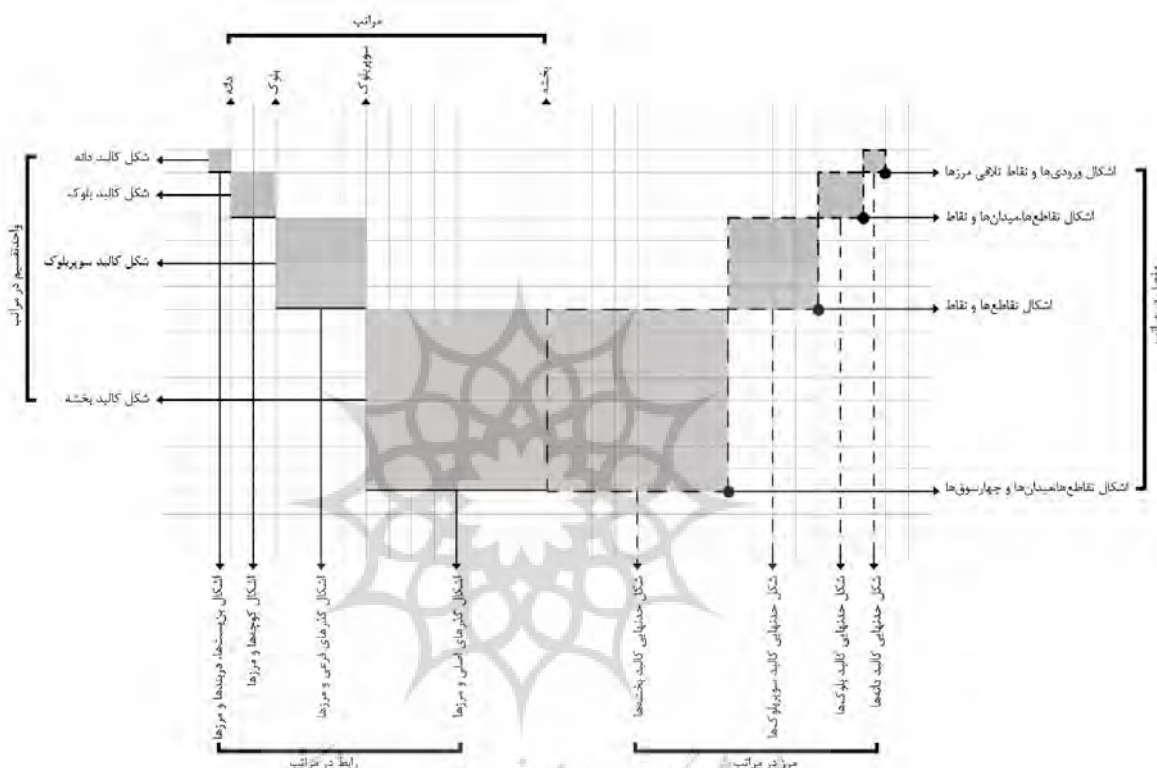
تصویر شماره ۹: مدل عام اجزای ساخت کالبد



تصویر شماره ۸: مدل عام کالبد

جدول شماره ۴: معرف ساخت کالبد شهر

ساخت کالبد				مراتب کالبد
اصول	انتظام دهنده‌ها	گسترها	اجزای کالبد	
سلسله مراتب تناسبات الگوهای ترجیحی پیوستگی تکرار مجاورت ترتیب محدودیت انواع	مرکز (محور خط) عامل فرضی (خط) سطح و حجم	تکرار، مجاورت، تخلیص، امتداد، چرخش، دوران، لغزش، مرتبط ساختن، پدید آمدن، رابطه داشتن، آرایش دادن، شکل دادن، ترتیب دادن، فراهم کردن، سازمان یابی کردن، به وجود آوردن، چیدمان کردن	اشکال کالبد دانه‌ها، بن بست‌ها، دریندها، مرزها، ورود ی‌ها، نقاط تلاقی مرزها و مرکز کالبد دانه‌ها اشکال کالبد بلوک‌ها، کوچه‌ها، مرزها، تقاطع‌ها و میادین و مرکز کالبد بلوک‌ها اشکال کالبد سوپر بلوک‌ها، گذرهای فرعی، مرزها، تقاطع‌ها و نقاط و مرز کالبد سوپر بلوک‌ها اشکال کالبد بخش‌ها، گذرهای اصلی، مرزها، تقاطع‌ها، میادین، چهارسوق‌ها و مرز کالبد بخش‌ها	دانه بلوک سوپر بلوک بخشه



تصویر شماره ۱۰: مدل ساخت کالبد شهر

۳. روش

ابتدا با نگرش سیستمی به موضوع نگاه شد. با این نگرش و با توجه به اصل سلسله‌مراتب، شناسایی مراتب ساخت معنا و ساخت کالبد انجام شده است. براساس اصل تناظر، نسبت بین ساخت معنا و ساخت کالبد پیگیری شده است. پژوهش با روش‌های پیمایشی، توصیفی و تطبیقی انجام شده است. به این منظور، "ساخت"، "معنا" و "کالبد"، مفاهیمی هستند که در ابتدا مرور و سپس براساس نظریه ساخت، مدل "ساخت معنا" و مدل "ساخت کالبد" ساخته و ارائه و در پژوهش استفاده شدند. نسبت این دو با روش تطبیقی پژوهش شد. پژوهش در مراتب کلان، میانی و خرد انجام شد. در مرتبه بخشه-گفتار چون حجم جامعه محدود بود، همه واحدهای تقسیم، رابطه‌ها، مفاصل و مرزها پژوهش شده‌اند. اما در مرتبه سوپر بلوک - بند معنایی و مرتبه بلوک - موضوع به دلیل تعداد زیاد نمونه‌ها با نمونه‌گیری خوشه‌ای، تعدادی از واحدهای

تقسیم، رابطه‌ها، مفاصل و مرزها انتخاب و پژوهش شدند. سپس "اجزای" ساخت معنا با ساخت کالبد در مجموعه تاریخی شهر یزد با روش پیمایشی تطبیق داده شده است.

۴. یافته‌ها

مجموعه تاریخی شهر یزد بخشی از شهر یزد است. در این پژوهش، مراتب بخشه، سوپر بلوک و بلوک مورد توجه قرار گرفت. این مجموعه یک کتاب گلین است. این کتاب در سال ۱۳۹۶ به ثبت جهانی رسید. به نظری رسد هنوز جهان، تمایل به مرور این کتاب دارد تا بتواند هر آنچه در آن نگاشته شده را بخواند و بازخواند و هر کلمه، جمله، پاراگراف و فصل آن را دریافت کند تا از این طریق به درک و فهم آن نائل شده و آن را تألیف نماید. کتاب یادشده، متنی آکنده از نشانه‌ها و معانی است که خواننده متن باید آن را رمزگشایی کند. توجه به این نکته لازم است که موقعیت‌ها،

سنت‌ها، آداب و رسوم، شرایط و حتی خاطره‌ها می‌توانند معانی را تغییر دهند. بنابراین معنا باید در بستر و زمینه این مجموعه و به عبارت دیگر در «متن» شکل‌گیری آن بررسی شود. به این دلیل، در ساخت کالبد آن به دنبال معناییم؛ زیرا معناست که زندگی را در آن در طی قرون جاری ساخته است.

با رویکرد «معناشناسی شهری»، مجموعه تاریخی شهر یزد به مثابه واقعیتی «معنایی - نمادین» تعریف می‌شود. هر یک از اجزای آن در هر مرتبه می‌توانند در آن به عنوان نشانه‌هایی معنادار و قابل تفسیر در نظر گرفته شوند. به نظر می‌رسد می‌توان «معناشناسی» را به قلمروی جستارهای شهرشناسانه گسترش و از رویکرد معناشناسی برای شناخت و طراحی شهر استفاده کرد. در تطبیق رویکرد یادشده با ویژگی‌های این مجموعه، کندوکاوی عمیق لازم است. در مجال فراهم آمده، ساخت کالبد مجموعه با رویکرد یادشده پژوهش شده است. در این رابطه سعی شد تناظر بین چند موضوع اصلی در ساخت معنا با ساخت کالبد، برای رسیدن به چهارچوب مفهومی و روشی بیگیری شود تا در نهایت تطبیق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد این مجموعه انجام گیرد.

۴.۱. تناظر مراتب ساخت معنا با مراتب ساخت کالبد

مجموعه تاریخی شهر یزد بخشی از این شهر است. کتاب در مقیاس یک به یک است. این مجموعه از بخش‌ها و کتاب از گفتارهایی تشکیل شده است. بخش از سوپر بلوک‌ها و گفتار از بندهای

معنایی تشکیل شده‌اند. سوپر بلوک‌ها از بلوک‌ها و بند معنایی از موضوعات تشکیل شده‌اند. ساخت بخش، سوپر بلوک، بلوک و دانه، مراتب ساخت کالبد مجموعه تاریخی شهر یزد و گفتار، بند معنایی، موضوع، مفهوم و جزء معنایی، مراتب ساخت معنی کتاب یاد شده هستند.

*مجموعه تاریخی یزد بخشی از شهر است که خود از بخشه‌هایی تشکیل شده است. در این نوشتار، کار پژوهش از مرتبه بخش به عنوان کلان‌ترین مرتبه شروع و تا مرتبه بلوک پیش رفت. مراتب دانه و توده از حیطة کار طراحی شهر خارج است.

۴.۲. تناظر اجزای ساخت معنا با اجزای ساخت کالبد

مجموعه تاریخی یزد از بخشه‌هایی تشکیل شده است. پژوهش آن از مرتبه بخش (کلان) تا مرتبه بلوک (خرد) انجام شد. این مجموعه یک متن است. با این تعبیر این متن خوانش شد. از مهمترین ویژگی‌های این متن به مثابه یک کل به هم پیوسته این است که متن دارای قطعاتی است که به قطعاتی کوچکتر تقسیم شده‌اند. قطعاتی که هر یک کم و بیش، خود از پیوستگی و انسجام درونی برخوردارند. در این مجموعه، هر دانه، نقش واژه‌ای را داراست. هر بلوک (مجموعه دانه‌ها)، جمله را شکل می‌دهد. سوپر بلوک‌ها، فصول و بخش‌ها، متن را می‌سازند و مجموعه یادشده، یک کتاب است.

جدول شماره ۵: تناظر مراتب ساخت معنا با ساخت کالبد

مراتب ساخت معنا	مراتب ساخت کالبد
توده	جزء معنایی
دانه	مفهوم
بلوک	موضوع
سوپر بلوک	بند معنایی
بخشه	گفتار
شهر	کتاب

جدول شماره ۶: تناظر اجزای ساخت معنا و اجزای ساخت کالبد - (Rahmani, Noormohamadzad, 2017, 3)

مراتب	اجزای ساخت معنا	اجزای ساخت کالبد	اجزای ساخت
مرتبه گفتار - بخشه	معنای متن	شکل کالبد بخشه	واحد تقسیم
	معنای فصل مشترک متون	شکل گذرهای اصلی و مرزها	رابط
	معنای محل تلاقی فصل مشترک متون	شکل تقاطع‌ها و میادین و چهارسوق‌ها	مفصل
مرتبه بند معنایی - سوپر بلوک	معنای بیرونی‌ترین حد متون	شکل بیرونی‌ترین حد بخشه‌ها	مرز
	معنای پاراگراف	شکل کالبد سوپر بلوک	واحد تقسیم
	معنای فصل مشترک پاراگراف‌ها	شکل گذرهای فرعی و مرزها	رابط
مرتبه موضوع - بلوک	معنای محل تلاقی فصل مشترک پاراگراف‌ها	شکل تقاطع‌ها و نقاط	مفصل
	معنای بیرونی‌ترین حد پاراگراف‌ها	شکل بیرونی‌ترین حد سوپر بلوک‌ها	مرز
	معنای جمله	شکل کالبد بلوک	واحد تقسیم
مرتبه مفهوم - دانه	معنای فصل مشترک جملات	شکل کوچه‌ها و مرزها	رابط
	معنای محل تلاقی فصل مشترک جملات	شکل تقاطع‌ها، میدان‌ها و نقاط	مفصل
	معنای بیرونی‌ترین حد جملات	شکل بیرونی‌ترین حد بلوک‌ها	مرز
مرتبه مفهوم - دانه	واژه	شکل کالبد دانه	واحد تقسیم
	معنای فصل مشترک واژگان	شکل بن بست‌ها، دربند‌ها و مرزها	رابط
	معنای محل تلاقی فصل مشترک واژگان	شکل ورودی‌ها	مفصل
	معنای بیرونی‌ترین حد واژگان	شکل بیرونی‌ترین حد دانه‌ها	مرز

۴,۳. تطبیق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد شهر در مجموعه تاریخی شهر یزد

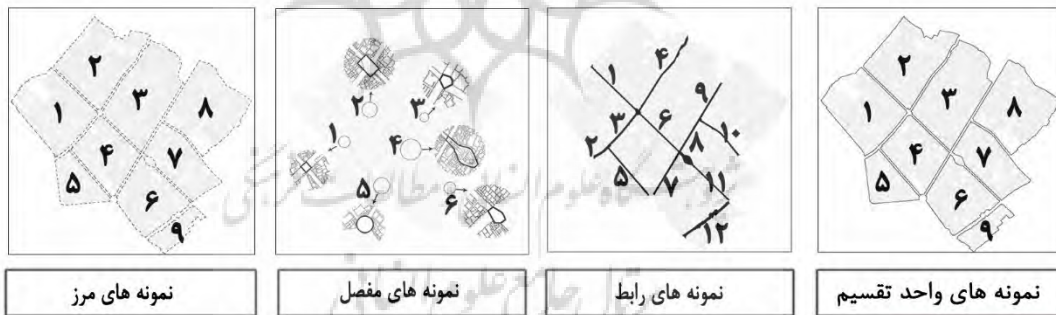
مجموعه تاریخی شهر یزد، میراث ارزشمند به جا مانده از گذشتگان است. این مجموعه دارای واژگان، جملات و پاراگراف‌هایی با معنا بوده و در طول زمان در معنابخشی آن، نقش بارزی ایفا نموده است. پژوهش این متن تاریخی و یافتن الگوها و اصولی که پیشینیان از آن بهره برده‌اند، در راستای حصول به هدف ایجاد کالبد معنادار ضروری است. در محالی که فراهم آمده، اجزای ساخت معنا و ساخت کالبد در مجموعه فوق تطبیق داده شده است. تطبیق مؤلفه‌ها و وجوه آنها می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی باشد. پژوهش با پیگیری نمونه‌ها در این مجموعه در سه مرتبه گفتار-بخشه، بندمعنایی - سوپرپلوک و موضوع - پلوک انجام شده است.

۴,۴. تناظر اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد در مرتبه گفتار -بخشه

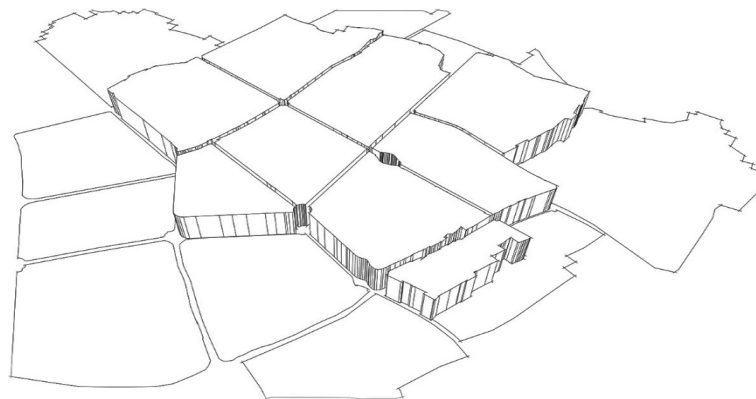
مجموعه تاریخی یزد، یک حوزه معنایی است. شامل اجزایی است که زیرشمول‌های آن هستند. متون، مرتبه کلان آن است. متون در ساخت معنا، متناظر با بخشه‌های ساخت کالبد هستند. براساس نظریه ساخت، ساخت معنا در مرتبه گفتار نیز قابل پیگیری است. با توجه به این مدل، واحدهای تقسیم مرتبه گفتار، معانی متون هستند. فصل مشترک آنها، رابطه‌ها را می‌سازند. محل تلاقی فصول مشترک، مفاصل هستند. بیرونی‌ترین حد معانی متون، مرزها را شکل می‌دهد. طبق نظریه ساخت کالبد، واحدهای تقسیم مرتبه بخشه، اشکال بخشه‌ها هستند. فصول مشترک اشکال بخشه‌ها (اشکال گذرهای اصلی) رابطه‌ها را می‌سازند. محل تلاقی آنها، مفاصل را می‌سازند. بیرونی‌ترین حد اشکال هر بخشه، مرزها هستند.



تصویر شماره ۱۱: موقعیت مجموعه تاریخی در شهر یزد



تصویر شماره ۱۲: اجزای ساخت در مرتبه گفتار -بخشه- (Rahmani, Noormohamadza, 2017, 7)



تصویر شماره ۱۳: تصویر سه بعدی اجزای ساخت در مرتبه گفتار -بخشه

۴/۵. تطبیق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد در مرتبه

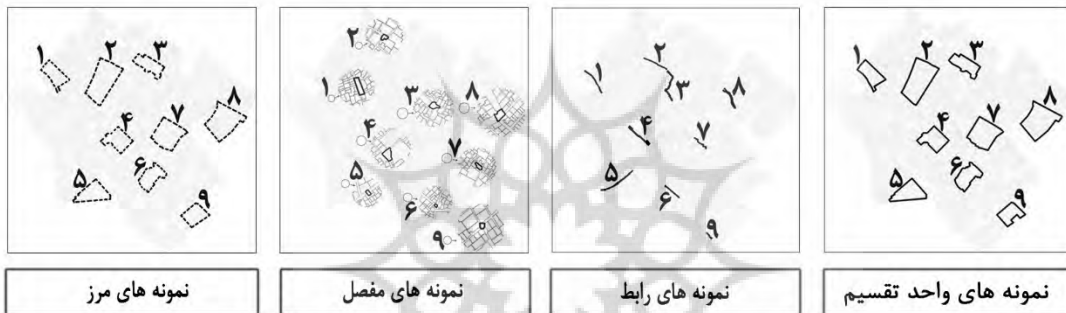
بند معنایی- سوپر بلوک

سوپر بلوک‌ها در مجموعه تاریخی یزد به عنوان یک حوزه معنایی عمل می‌کنند. این حوزه خود شامل اجزایی است که زیرشمول‌های آن را تشکیل داده است. حوزه معنایی در مرتبه میانه، مجموعه پاراگراف‌ها هستند. آنها در ساخت معنا، متناظر با سوپر بلوک‌ها در ساخت کالبد هستند. براساس نظریه ساخت در مورد ساخت معنا در مرتبه بند معنایی، واحدهای تقسیم، پاراگراف‌ها هستند. فصل مشترک معانی آنها، رابط‌ها را می‌سازند. محل تلاقی فصل مشترک معانی پاراگراف‌ها، مفاصل را می‌سازند. بیرونی‌ترین حد معانی پاراگراف‌ها، مرزها را شکل می‌دهند. واحدهای تقسیم در ساخت کالبد مرتبه بخشه، اشکال سوپر بلوک‌ها هستند. شکل فصل مشترک سوپر بلوک‌ها (گذرهای فرعی)، رابط‌ها را می‌سازند. اشکال محل تلاقی فصل مشترک سوپر بلوک‌ها (تقاطع‌ها و میادین)، مفاصل را می‌سازند. بیرونی‌ترین حد شکل سوپر بلوک‌ها مرزها را شکل می‌دهند.

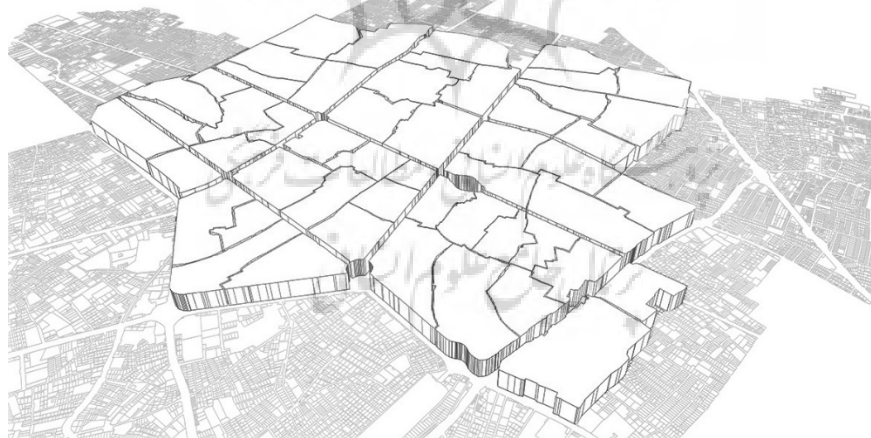
۴/۶. تطبیق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد در مرتبه

موضوع- بلوک

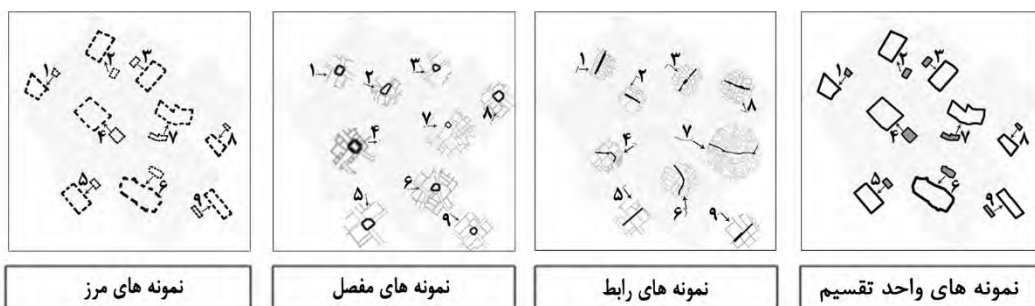
بلوک‌ها در مجموعه تاریخی یزد، حوزه معنایی هستند. این حوزه شامل اجزایی است که زیرشمول‌های آن را تشکیل داده است. حوزه معنایی در مرتبه موضوع متشکل از جملات است. جملات در ساخت معنا متناظر با بلوک‌ها در ساخت کالبد هستند. طبق نظریه ساخت معنا در این مرتبه، جملات، واحدهای تقسیم هستند. فصل مشترک معانی آنها، رابط‌ها را می‌سازند. محل تلاقی فصل مشترک معانی جملات، مفاصل هستند. بیرونی‌ترین حد معانی جملات، مرزها را شکل می‌دهند. براساس نظریه ساخت، واحدهای تقسیم در ساخت کالبد بلوک، اشکال بلوک‌ها هستند. شکل فصل مشترک بلوک‌ها (شکل کوچه‌ها و مرزها)، رابط‌ها را می‌سازند. اشکال محل تلاقی فصل مشترک بلوک‌ها (تقاطع‌ها و میادین)، مفاصل را می‌سازند. بیرونی‌ترین حد شکل بلوک‌ها مرزها هستند.



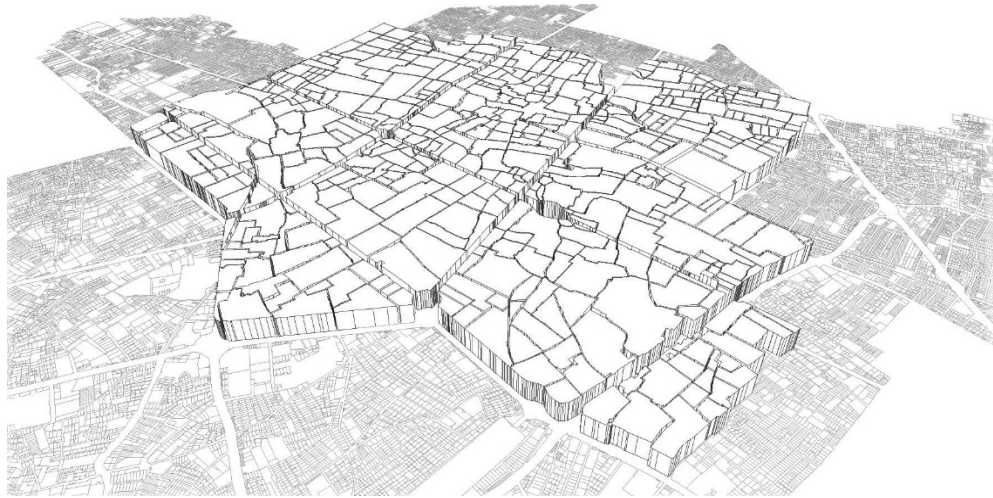
تصویر شماره ۱۴: اجزای ساخت معنا و ساخت کالبد در مرتبه بند معنایی - سوپر بلوک - (Rahmani, Noormohamad, 2017, 8)



تصویر شماره ۱۵: تصویر سه بعدی اجزای ساخت معنا و ساخت کالبد در مرتبه بند معنایی - سوپر بلوک



تصویر شماره ۱۶: اجزای ساخت در مرتبه موضوع- بلوک - (Rahmani, Noormohamad, 2017, 10)



تصویر شماره ۱۷: تصویر سه بعدی اجزای ساخت در مرتبه موضوع - بلوک

۵. بحث

در مجموعه تاریخی شهر یزد، کالبد آن به دلیل محسوس تر بودن، مناسب‌ترین مبنایی تشخیص داده شد که می‌توان تصوّر کلی معنا را بر آن بنا نمود. مطالعه ساخت کالبد مجموعه فوق با تمرکز بر آشکال اجزای این کالبد انجام شد. ساخت کالبد این مجموعه، سلسله‌مراتبی از مجموعه تاریخی تا توده است. مجموعه، بخشه، سوپربلوک، بلوک، دانه و... در این سلسله مراتب شکل گرفته‌اند. چنین ساختی، واجد معنایی است. سلسله مراتب کتاب، گفتار، بنده معنایی، موضوع، مفهوم و جزء معنایی در ساخت معنا فهم شد. همبستگی توده با جزء معنایی، دانه با مفهوم، بلوک با موضوع، سوپربلوک با بند معنایی، بخشه با گفتار و مجموعه تاریخی شهر یزد با کتاب احراز گردید. وجود همبستگی در مراتب مختلف دو ساخت، دلالت بر تناظر یک به یک آنها دارد. به عبارت دیگر، مرتبه‌ای از ساخت معنا با مرتبه‌ای از ساخت کالبد با برقراری رابطه با یکدیگر شکل گرفته‌اند. در این رابطه، سه نوع همبستگی شناسایی شدند:

۱- همبستگی درونی ساخت معنی در هر مرتبه با برقراری روابط اجزای معنی (تکواژها، واژه‌ها، جملات، پاراگراف‌ها و متون) با گشتارهای اصلی؛ افزایش، جابه‌جایی، حذف و خردگشتارهای نقش داشتن، تأکید کردن، احساس کردن، استنباط کردن، ارتباط دادن، دانستن، دریافت کردن و ایجاد کردن، حول انتظام دهنده‌ها در تبعیت از اصل متعارفی سلسله‌مراتب و اصول موضوعه «این همانی» و «ارجاع‌پذیری» با استفاده از قواعد شکل گرفته‌اند.

۲- همبستگی درونی ساخت کالبد در هر مرتبه که با برقراری روابط اجزای آشکال کالبد، حول انتظام‌دهنده‌های محور، مرکز و عامل فرضی با گشتارهای اصلی زایش، مجاورت، امتداد، تغییر جهت، جابه‌جایی، چرخش و دوران در تبعیت از اصول سلسله مراتب، تناسبات، الگوهای ترجیحی، پیوستگی، تکرار، مجاورت، ترتیب و محدودیت انواع، از طریق قواعد شکل گرفته‌اند. آشکال کالبد: توده‌ها و خالی‌ها، دانه‌ها، بلوک‌ها، سوپربلوک‌ها و بخشه‌ها (واحدهای تقسیم)، آشکال بن بست‌ها، دربندها، کوچه‌ها و مرزها (رابط)، آشکال ورودی‌ها، نقاط تلاقی مرزها، تقاطع‌ها

و میادین (مفصل) و آشکال بیرونی‌ترین حد دانه‌ها، بلوک‌ها، سوپربلوک‌ها و بخشه‌ها (مرز) اجزای ساخت کالبد هستند.

۳- رابطه و همبستگی ساخت معنا با ساخت کالبد که با برقراری رابطه ساخت معنی با ساخت کالبد با گشتارهای مشاهده کردن، دریافت کردن، تصور کردن، احساس کردن، ادراک کردن، شناختن و تداعی معنی در تبعیت از اصل سلسله‌مراتب و با قواعد ایجاد شده‌اند. صفات، خصوصیات، مشخصه‌ها، ویژگی‌ها مؤلفه‌های ساخت کالبد و ساخت معنا، درون‌داده‌هایی هستند که در اعمال گشتارهای برشمرده برای برقراری رابطه و همبستگی اخذ می‌شوند.

به عنوان مثال در ساخت کالبد مرتبه بلوک، آشکال بلوک‌ها، واحدهای تقسیم آن بودند. راه‌های حدفاصل بلوک‌ها، رابطه‌ها، محل تلاقی رابطه‌های بیان شده، مفاصل این مرتبه و بیرونی‌ترین حد آشکال بلوک‌ها، مرزهای این مرتبه بودند. انتظام دهنده‌های ساخت کالبد مرتبه بلوک، محورها، مراکز و عوامل فرضی (خطوط) بودند. گشتارهای زایش، مجاورت، امتداد و تغییر جهت بر اجزای برشمرده در تبعیت از اصول سلسله‌مراتب، تناسبات، الگوهای ترجیحی، پیوستگی، تکرار، مجاورت و ترتیب، محدودیت انواع اعمال شده‌اند. لاضرر و تسبیب از قواعد مطرح در شکل‌گیری ساخت کالبد مرتبه بلوک بوده است.

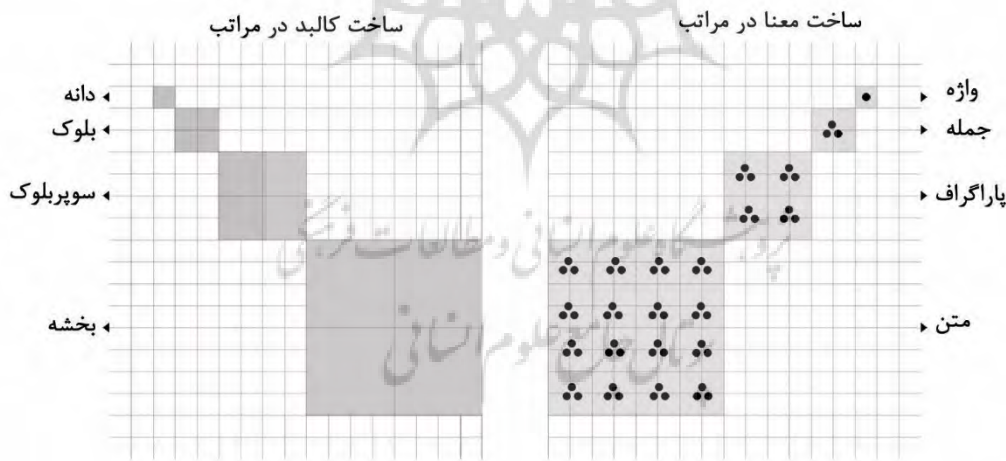
ساخت معنی هم مرتبه متناظر با ساخت کالبد بلوک، جملاتی بودند. این جملات از تصورات ناشی از بلوک‌ها، راه‌ها، دربندها، همجواری‌ها، مجاورت‌ها و غیره در تبعیت از اصول «این همانی» و «ارجاع‌پذیری» با گشتارهای افزایش و جابه‌جایی و حذف با قواعد گشتاری خاص بر پایه عملکرد گشتارهای اخیرالذکر قابل تألیف و تدوین شده‌اند. معانی شکل گرفته ناشی از مشاهده ساخت کالبد بلوک با دریافت صفات، خصوصیات، مشخصه‌ها، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اجزای برشمرده، منجر به شکل‌گیری تصوراتی در ذهن انسان می‌شدند که معانی خاصی را برای وی تداعی می‌نمودند. تطبیق این تصورات با تصورات قبلی در ذهن انسان در تبعیت از اصول این همانی و ارجاع‌پذیری منجر به تأیید معنی واژه‌های یادشده و یا رد آنها می‌شد.

مرتب‌ه خرد، تطبیق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد بلوک‌ها، حوزه معنایی متشکل از اجزا که زیرشمول‌های آن را تشکیل داده، ارائه می‌نماید. حوزه معنایی در مرتبه موضوع، مجموعه جملات است. جملات در ساخت معنا، متناظر با بلوک‌ها در ساخت کالبد هستند.

کم‌توجهی به تناظر ساخت معنای هم مرتبه با ساخت کالبد، سبب از دست رفتن اجزای مرتبه‌ای از ساخت معنی و یا ساخت کالبد مجموعه شده است. گاهی انتظام دهنده آنها از دست رفته و از اصل و یا اصولی عدول شده و یا این که گشتار(هایی) که با آن، ساخت‌های یادشده شکل گرفته، تغییر یافته و این امر منجر به شکل‌گیری ساختی غیر از ساخت اولیه شده است. در این رابطه، قواعد نیز مصون از تغییر نبوده‌اند. تغییر در اَشکال، اندازه‌ها، کشیدگی‌ها و صفات و خصوصیات ساخت‌های کالبد ایجاد شده، سبب شده تا دیگر تداعی معنای گذشته نشود. این امر به نوعی، حکایت از به مخاطره افتادن معنی و در ادامه هویت این مجموعه تاریخی دارد، بنابراین قبل از هر مداخله در آن لازم است با رویکرد معناشناسانه به آن توجه شود. لازمه آن، نگریستن سلسله‌مراتبی به ساخت‌های کالبد و معنای این مجموعه است تا هم روابط اجزای ساخت و هم روابط معنایی (تکواژها، واژه‌ها، جملات، پاراگراف‌ها و متون) آن را دریافت تا تناظر ساخت معنی با ساخت کالبد آن را بتوان تدارک دید.

چنین روایی درباره سایر مراتب ساخت معنی و ساخت کالبد نیز انجام شد. پژوهش از طریق پیگیری نمونه‌ها، در سه مرتبه کلان (گفتار - بخشه)، میانه (بندمعنایی - سوپر بلوک) و خرد (موضوع - بلوک) انجام گرفت. تناظر برقرار شده بین مراتب و اجزای «ساخت معنا» با «ساخت کالبد» شهر نشان از تطبیق آنها با هم دارند، بنابراین مدل متناظر ساخت کالبد - معنا ساخته و در تصویر شماره ۱۸ ارائه شد. از این مدل می‌توان در پژوهش‌های بعدی استفاده کرد. در تطبیق ساخت معنا با ساخت کالبد مجموعه فوق مشخص شد که مجموعه دارای واژگان، جملات و پاراگراف‌هایی با معنا بوده که همواره در معنا بخشی آن، نقش بارزی ایفا نموده است.

تطبیق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد در مرتبه کلان مجموعه تاریخی یزد که در خاطره جمعی این شهر نقش بسته، می‌تواند به عنوان یک حوزه معنایی عمل کند. این حوزه خود شامل اجزایی است که زیرشمول‌های آن را تشکیل داده است. حوزه معنایی در مرتبه کلان، شامل متون است. متون در ساخت معنا، متناظر با بخشه‌ها در ساخت کالبد هستند. در مرتبه میانه، تطبیق اجزای ساخت معنا با ساخت کالبد سوپر بلوک‌ها به عنوان یک حوزه معنایی عمل می‌کند. این حوزه نیز شامل اجزایی است. حوزه معنایی در این مرتبه، مجموعه پاراگراف‌ها هستند. پاراگراف‌ها در ساخت معنا متناظر با سوپر بلوک‌ها در ساخت کالبد هستند. در



تصویر شماره ۱۸: تناظر اجزای ساخت معنا و اجزای ساخت کالبد - (Rahmani, , Noormohamadza, 2017, 4)

بیشتری دارد. زیرا درک معنای این فضاها در فرآیند شناختن، سبب ارزیابی‌های متفاوت از آنها شده و ارزیابی مثبت افراد از فضای طراحی شده در استقبال آنها از این فضاها نقش بسزایی دارد، بنابراین در این رابطه باید به تصورات مردم از فضا و این که چه معنایی را برای آنها تداعی می‌کنند و چه توقعات و انتظاراتی از آن می‌توانند داشته باشند، توجه کرد. الگوهای معنادار ساخت کالبد مجموعه، مطابق با رفتارها، معیارهای ارزشی، نظام اجتماعی، امکانات، نیازها و خواسته‌های زمان گذشته شکل گرفته و ساخته

۶. نتیجه‌گیری

از وظایف طراحان شهری، اتخاذ رویکرد معناشناسانه برای یافتن، حفظ و تقویت معنای مشترک و جهت دهی طراحی براساس معنای یادشده است. در واقع، با استخراج معنای مشترک میان ساکنان، استفاده کنندگان و بازدید کنندگان از فضا، طراحی و بازطراحی آن می‌تواند متفاوت‌تر انجام شود. این مهم در تمامی فضاها قابل پیگیری است ولی در کالبد فضاهایی که حس تعلق بیشتری به آنها احساس می‌شود، مانند فضاهای مسکونی حساسیت

design. Tehran: Tehran university. [in persian]

- Barthes, Roland. 1991. Elements of semiology. Translated by Hamid Mohammadi. Tehran: Alhoda. [in persian]
- Barthes, Roland. 1988. Semiology and Urbanism (in: the semiotic challenge). New York: Hill and Wang.
- Bazrgar, Mohammadreza. 2003. Urbanism and the main structure of the city. Shiraz: Kooshamehr. [in persian]
- Berman, Marshall. 2002. The experience of modernity. Translated by Morad Farhadpor. Tehran: Tarheno. [in persian]
- Cameron, Deborah, Markus, Thomas A . 2002. The Words Between the Spaces: Buildings and Language. London, United Kingdom: Routledge.
- Chandler, Daniel. 2008. Semiotics: the basics. Tehran: Sorehmehr. [in persian]
- Ching, Francis D.K. 2006. Architecture, Form, Space & Order. Translated by Zahra Gharegazlo. Tehran: University of Tehran press. [in persian]
- Choay, Françoise. 2001. L'urbanisme, utopies et réalités. Seuil.
- Chomsky, Noam. 1983. Syntactic Structures. Translated by A Sameie. Tehran: Kharazmi. [in persian]
- Dabirmoghadam, Mohammad. 2007. Theoretical linguistics. Tehran: Samt. [in persian]
- Daneshpor, Abdolhadi, Rafiee, Amirreza. 2006. "Postmodernity and new semantic attitudes in urbanization." Falsafe 161- 180. [in persian]
- Dehkhoda, Ali Akbar. 1994. Dehkhodas' Encyclopedia. Tehran: University of Tehran press. [in persian]
- Fakoochi, Naser. 2007. History of ideas and theories on anthropology. Tehran: Ney. [in persian]
- Fakoochi, Naser. 2004. Urban anthropology. Tehran: Ney. [in persian]
- Goharipor, Morteza. 2008. "The dimensions of meaning from a philosophical perspective." Nameye pajhohesh farhangi 13-48. [in persian]
- Gottdiener, Mark. 1986. The City and the Sign: An Introduction to Urban Semiotics. New York: Columbia University Press.
- Grutter, Jorg Kurt. 1996. Asthetics in architecture. Translated by Jahanshah Pakzad and Abdoreza

شده‌اند. طراحان شهری و معماران باید گونه‌ها، تیپ‌ها و الگوهای فضاها را شناسایی و با شرایط حال متناسب سازی و در مداخلات آینده برای بازیابی معنای مطلوب آن به کار گیرند. پژوهش ساخت کالبد و ساخت معنی مجموعه با مبانی و چارچوب نظری ارائه شده و تطبیق آنها در مراتب کلان، میانی و خرد نشان داد که به ازای هر ساخت کالبد، یک ساخت معنی در هر مرتبه وجود دارد. به عبارت دیگر، این دو در مراتب با یکدیگر تناظر دارند. علاوه بر آن، این امر به نوعی، استفاده از مدل نظری متناظر ساخت کالبد - معنا را برای ارزیابی و برآورد میزان همبستگی ساخت کالبد با ساخت معنا مورد تأکید قرار داد. ضرورت دارد که بازطراحی ساخت کالبد این مجموعه در مراتب، نه تکرار و نه پاکسازی آنها باشد، بلکه به نوعی، «نو کردن ساخت» با تأکید بر تناظر و همبستگی آنها باشد. لازم است این امر با توجه به زندگی ساکنان آن باشد و نه با نگاه موزه‌ای که نباید به آن دست زد و یا صرفاً به مرمت چند بنای تاریخی در آن پرداخت. در غیر این صورت فضاهای موجود، رفته‌رفته مخروبه‌تر و متروک‌تر می‌شوند. بر این اساس، هر جزئی از کالبد که فرو می‌ریزد و به جای آن، کالبد جدیدی بنا می‌شود، می‌باید ملهم از اجزاء، انتظام دهنده‌ها، اصول، گشتارهای اعمال شده بر آن و قواعد به کار رفته در شکل‌گیری آن و همچنین، بهره‌مند از الگوهایی که تداعی‌کننده معانی متناسب با شرایط و اقتضائات امروزه و نه صرفاً، تکرار شکلی آن باشد. همان‌طور که مجموعه، قرن‌ها به‌طور مداوم و در هر دوره، بدون این که تکرار کامل گذشته باشد، شکل گرفته است. لازم است ارزش‌های گذشته و نیازهای امروز در هم آمیخته شوند. تنها در این صورت است که تغییر حاصله، منطقی و پیامد امر، کالبد معنادار خواهد بود. در این رابطه، استفاده از مدل نظری متناظر ساخت کالبد - معنا مورد تأکید است. با این مدل، گونه‌ها، تیپ‌ها و الگوهای معنادار را می‌توان استخراج و در نو کردن ساخت از آنها بهره گرفت. ضمن این که می‌توان از آنها در طراحی مجموعه‌های جدید در شهر یزد نیز استفاده کرد. هر یک از آنها می‌توانند موضوع پژوهش‌های دیگر باشند.

References:

- Ahmadi, Babak. 2003. Structure and Interpretation of the Text. Tehran: Markaz. [in persian]
- Alexander, Christopher, Silverstein, Murray, Ishikawa, Sara. 1977. A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction. New York: Oxford University Press.
- Amini, Mohammadreza. 2010. "The definition of paragraph in persian prose." Kavoshname 11 (20): 55- 86. [in persian]
- Aslam javadi, Mohammad and Amir Nikpey. 2010. "Idea and concept of structuralism in Saussure and Levi-Strauss ideas." Ma'rifat-i Farhangi Ejtetaii 1 (3): 177- 203. [in persian]
- Bahreini, Hossein. 2009. Contemporary urban

- Neshat, Narges. 2011. In search of meaning. Tehran: Ketabdar. [in persian]
- Noormohamadzaad, Hossein and Mostafa Behzadfar. 2011. "Study of physical texture structure of historical city of yazd." Nameye memari va shahrsazi (6): 71- 87. [in persian]
- Noormohamadzaad, Hossein. 2011. "The process of identification and system diagnosis of the construction of the historical structure of the city." Iran University of Science and Technology. [in persian]
- Nowrouzitalab, Alireza. 2010. "An inquiry into shape and meaning of an artwork." Baghe nazar 7 (14): 69- 86. [in persian]
- Nowrozi, Sajad. 2007. "Meaningless cities." Hamshahri press. [in persian]
- 2007. Oxford Advanced Learner's Dictionary. Oxford University Press.
- Pakzad, Jahanshah. 2010. Theoretical and urban design process. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development. [in persian]
- Pakzad, Jahanshah, Bozorg, Hamide. 2014. An Environmental Psychology Alphabet for Designers. Teran: Armanshahr. [in persian]
- Palmer, Frank. 1987. Semantics: a new outline. Translated by Korosh Safavi. Tehran: Panguan. [in persian]
- Partovi, Parvin. 1999. "Structuralism in architecture and urbanism." Honarnama (5): 104-121. [in persian]
- Perec, Georges. 2000. Espèces d'espaces. Galilée.
- Porafkari, Nasrollah and Masod Kianpor. 2006. "Expounds the ideas of Noam Chomsky." Social sciences 13- 30. [in persian]
- Porjafar, M, Sadeghi, A, yousefi, Z. 2008. "Recognition of the effect of meaning on the immortality of the place." Housing and rural environment 2-17. [in persian]
- Rahmani, Forouzan. 2015. "Redesigning physique structure of Yazd historical context with the emphasis on meaning structure." Yazd university. [in persian]
- Rapoport, Amos. 2005. The meaning of the built environment. Tehran: Urban planning and process. [in persian]
- Rey-debove, josette. 1979. Lexique sémiotique. paris: Presses Universitaires France.
- Homayon. Tehran: University of Shahid beheshti press. [in persian]
- Habib, Farah. 2006. "Exploring the Meaning of the City." Beautiful arts (25): 5-14. [in persian]
- Habibi, Mohsen. 2001. Dela Cite Ala Ville. Tehran: University of Tehran press. [in persian]
- Jackson, Leonard. 1991. The Poverty of Structuralism. London: Longman.
- Jalili, seyedmostafa, Asode, ali. 2014. "Semantic evaluation of environmental elements and the threat of semantic and functional transformation of Mashhad pilgrimage city to Mashhad Tourist City." Pajohesh va barname rizi shahri 77-94. [in persian]
- Jaworski, Adam, Thurlow, Crispin. 2010. Semiotic Landscapes: Language, Image, Space. New York, United States: Continuum.
- Kalali, parisa, Modiri, atosa. 2012. "Explaining the role of the component of meaning in the process of forming a sense of place." Beautiful arts 43 - 51. [in persian]
- Kropf, Karl. 1996. "Urban tissue and the character of towns." URBAN DESIGN International 247-263.
- Larsen, Mildred. 2008. Translation based on meaning. Translated by Ali Rahimi. Tehran: Jangal. [in persian]
- Lotfi, Sahand. 2005. "Introduction to grammatical structural analysis of city structure." Beautiful arts (22): 15- 24. [in persian]
- Lynch, Kevin. 2008. A theory of good city form. Tehran: University of Tehran press. [in persian]
- Meghdadi, Bahram. 2014. Encyclopedia of literary criticism from plato to the present day. Tehran: Nashr. [in persian]
- Meshkatodini, Mehdi. 1994. Persian grammer based on transformational theory. Mashhad: Ferdowsi university of Mashhad press. [in persian]
- Mirzae, shekofe, Teymori, siavash, nejadsatari, saeideh. 2012. "Meaning in the Place and Creation of Identity (Case Study: Kermanshah Market)." National studies 121-142. [in persian]
- Moein, Mohammad. 1974. A persian dictionary. Tehran: Amirkabir. [in persian]
- Mokhtaromar, Ahmad. 2006. Semiology. Mashhad: Ferdowsi university of Mashhad press. [in persian]

- Safavi, Korosh. 2004. Introduction to semiology. Tehran: Sorehmehr. [in persian]
- Sajadzade, hasan, pirkabae, mohamadtaghi. 2012. "The process of meaning occurrence in urban space." *Armanshahr* 177-186. [in persian]
- Salgas, Jean-Pierre. 1985. J.M.G. Le Clézio: Lire, c'est s'aventurer dans l'autre. *entrtien la guinzaine litteraire*.
- Saliminaveh, Asghar. 2010. "References and significant in Frege, Husserl and Quine." *Zehn* (42): 40- 55. [in persian]
- Saussure, Ferdinand De. 1966. *Courses in General Linguistics*. Translated by Wade Baskin. London: McGraw-Hill Book Company.
- Sepehri moghadam, mansor, Zakeri, abas. 2012. "Relevance of Contemplative Meaning to: Concepts in the Semantic Relationship of the Architecture of Urban Buildings." *Armanshahr* 87-95. [in persian]
- Shole, Mahsa. 2009. "The methodology of urban semiotic fields." *Beautiful arts* (39): 105- 116. [in persian]
- Sodani, M, Merabizade, M, Zarghamian, Z. 2012. "Effectiveness of education on the acquisition of meaning on the quality of life of mothers with special needs children." *Binnual journal of applied counseling* 19-34. [in persian]
- Sojodi, Farzan. 2003. *Applied semiotics*. Tehran: Elm. [in persian]
- Tavasoli, Gholam abbas. 1991. *Sociological theories*. Tehran: Samt. [in persian]
- Tavasoli, Mahmood. 1991. *Urban design in old city of Yazd*. Tehran: Markaz motaleaat va tahghighat shahrsazi va memari iran. [in persian]